

تصویرهای عاشورایی در شعر معاصر فارسی

اصغر اسماعیلی^۱

مریم رئیسی باغ شهبازی^۲

چکیده

شعر عاشورایی با تأثیر از قیام کربلا از دوره آغاز شکل‌گیری تا هنگام تحول و شکوفایی، برخوردار از زبانی فخیم و درون‌مایه‌هایی منحصر به فرد به تدریج ساختار لفظی و معنوی و سبک بیانی خاص خود را یافت و با خلق آثار چشمگیر و قابل اعتنا، زمینه ایجاد مکتب شعری مستقلی را از آن فراهم ساخت. در نتیجه شعر عاشورایی را می‌توان این چنین تعریف کرد: شعری است که در مورد امام حسین (ع) و یاران باوفایش سروده شده و می‌توان سال ۶۱ هجری را سال شروع این شعر دانست. در این مقاله تلاش شده است نگاه شاعران معاصر به واقعه عاشورا بازنمایی و نمادهای عاشورایی در شعر آنها تبیین شود. در نوشتار حاضر تصاویر عاشورایی در آثار شاعرانی؛ چون: موسوی گرمارودی، قیصر امین‌پور، محمد حسین کسرائی، علی معلم، صغیر اصفهانی، مشفق کاشانی و مردانی بررسی و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: عاشورا، نماد، شخصیت، شعر معاصر، تصاویر.

Ashura Images in Persian Recent Poet

Asghar Esmaeili, Assistant Professor, Faculty of Encyclopedia Studies

Maryam Reisi Baghshahbazi, Persian Language & Literature, Najafabad Branch, Islamic Azad University

Abstract: The impact of the uprising of Karbala from the period of beginning the formation to the development and flourishing on Ashura poetry, with its lofty language and unique themes that eventually found its specific expressive style of spiritual verbal and with dramatic works worthy of attention and reliable provided an independent school a poetry. As a result Ashura poetry can be defined like this: Is poem about Imam Hussein and his loyal companions that composed in year 61 Hijri as the year of start this poetry. In this article, recent poets look in represent the symbols of Ashura event in their poetry and explaining the purpose of poetry composed in this case study in the world. In this paper, Ashura images in the works of poets such as Mousavi Garmaroudi, Qaisar Aminpoor, Kasraie, Moalem, Saghir, Moshfegh Kashani, Mardani have been analyzed and studied.

Keywords: Ashura, Symbols, Character, Recent Poetry, Images.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی بنیاد دانشنامه نگاری ایران.

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. maryamreisi471@yahoo.com (نویسنده)

مسئول

تصویر یکی از اساسی‌ترین و پرکاربردترین اصطلاحات در نقد ادبی است. برخی از منتقدان تصویر را معادل لاتین ایماژ دانسته‌اند که بدل، کپی، عکس، صورت تشبیه و سایه برابری است که برای آن در فرهنگ‌ها نوشته‌اند. محمدرضا شفیعی کدکنی، در کتاب صور خیال در شعر فارسی، به بررسی تصویرهای شعری در ادوار مختلف پرداخته است. شفیعی کدکنی، تصویر را مجموعه تصرفات بیانی و مجازی؛ از قبیل: تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تمثیل، نماد، اغراق و مبالغه، اسناد مجازی، تشخیص، حسامیزی، پارادوکس و نظایر آن دانسته است (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۹-۲۱). در تعریفی دیگر تصویر: حلقه زدن دو چیز از دو دنیای متغایر است به وسیله کلمات که در یک نقطه معین تبیین شده است (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۱۴).

طیف تعاریف از ایماژ و تصویر فراوان است؛ از جمله: ایماژ عکسی است که از کلمات حاصل می‌شود؛ تصویر هرگونه توصیفی است که بر یکی از حواس آدمی تأثیر می‌گذارد؛ تصویرگری نمایش تجربه حسی به وسیله زبان است؛ مجموعه ساخت‌های زبانی که به منظور نمایش و توصیف امور و افکار تجریدی به کار می‌رود (فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۰).
اما آنچه در این نوشتار مطرح نظر بوده، تعریف شفیعی کدکنی در صور خیال در شعر فارسی است. تصویرهای شعری سطوح مختلفی از عاطفه، وصف، همدلی، یگانگی، حلول و غیر آن را به نمایش می‌گذارند.

بدیهی است که تصویرخیال در طول تاریخ ادبیات تحول یافته است و از سادگی به جانب پیچیدگی و از سطح به اعماق سوق داده شده است. هرروز شگردهای نوینی در تصور آفرینی پدید می‌آید. چرا که خلاقیت شعری چیزی جز طرح شیوه‌ها و شگردهای نوین و مختلف در زبان نیست پس طبیعی است که تعاریف و تلقی‌های مربوط به تصویر نیز مختلف باشد. شعر کلاسیک فارسی تصویرهای ثابت و گاه تکراری به مخاطبان عرضه کرده است، اما با نوآوری‌های شاعران در شعر نو افق‌های تازه‌ای به روی شاعران و خوانندگان گشوده شده و تصاویر عقلی به عاطفی-احساسی بدل شده و رؤیت به درون بینی و رؤیا ارتقا یافته و بیان صریح و مستقیم به بیان تلویحی و اشاره‌ای سوق پیدا کرده است و کارکرد تصویر نیز از توضیح و تقریر به ایجاد تأثیر گرایش پیدا کرده و تبیین معنا جای خود را به تعبیر احساس داده و بصیرت و درون‌بینی در اشعار معاصر وزن بیشتری یافته است.

بررسی تصویرهای شعری عاشورا در شعر معاصر، نشانه‌های عمیقی از احساس و عاطفه را در بر دارند و تصاویر حامل احساس، اندیشه بلند عاشورایی را در جان مخاطبان خود سریان می‌دهد و خواننده از رهگذر درک و دریافت تصویرهای بالنده و پویا و گاه درهم‌پیوسته به معرفتی عمیق دست می‌یابد که نتیجه آن همدلی شاعر با آن تصویرها و انتقال این همدلی به خواننده و مخاطب بوده است.

شعر عاشورایی را به واسطه مضامین آن می‌توان چنین تعریف کرد: شعری است در برگزیده آنچه در کربلا اتفاق افتاده و شخصیت‌ها و نمادهایی است که در عاشورا حضور داشته‌اند؛ در واقع شعر عاشورایی از همان سالی که در کربلا این اتفاق افتاد، یعنی سال ۶۱ هجری شروع شده و تاکنون نیز ادامه دارد و شاعران بسیاری چه غیر عرب و چه عرب، در قالب‌های مختلف شعری در این موضوع طبع آزمایی کرده‌اند.

عاشورا تجلی پیوند حیات و عدل، حماسه و رسالت، ایمان و پایداری، آزادگی و شرف، اعتقاد و جهاد، دیانت و آدمیت، عینیت و عرفان، در همه عصرهای تاریخ آدمی است. محتوای حرکت عاشورای حسینی تبلور عینی یک الگوی راهبردی است برای احیای دین در اندیشه‌ها و جانها و زندگی‌ها و تربیت و سازندگی انسانی، اجتماعی است.

در ادوار مختلف شعر فارسی توجه به مسئله عاشورا و قیام امام حسین^(ع) دیده می‌شود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و معطوف شدن نگاه شاعران به جلوه‌های مختلف شعر عاشورایی، زیبایی‌های فراوانی آفریده شد و شاعران بزرگی

چون: قیصر امین پور، موسوی گرمارودی، سلمان هراتی، عمان سامانی و دیگران واقعه کربلا را در غالب زیبای شعر به نسل انقلابی ایران معرفی کردند و روایت جذاب دیگری از این قیام را در اذهان بازآفرینی کرده‌اند. در این مقاله ابتدا تقسیم‌بندی شعر عاشورایی بیان می‌شود، سپس برخی از برجسته‌ترین شخصیت‌ها و نمادهای عاشورایی بررسی و تحلیل می‌گردد.

تقسیم بندی شعر عاشورایی

ادبیات عاشورا تقسیم بندی‌های متفاوتی دارد. از لحاظ زمان سروده شدن، می‌توان آن را به دو گونه تقسیم‌بندی کرد:

الف، تقسیم‌بندی در سه بخش:

۱. سروده‌های پیش از عاشورا: شامل سروده‌هایی است که از بیست و هفتم رجب سال ۶۰ هجری هجرت امام حسین (ع) از مدینه به مکه (سنگری ۱۳۸۵: ۱۰) تا شب عاشورا از زبان امام و یارانش نقل شده که اهداف قیام عاشورا را بیان می‌کند.
۲. سروده‌های روز عاشورا: شامل سروده‌های یاران امام حسین (ع) و خود آن حضرت در کشاکش جنگ و به عنوان رجز جنگی بر زبان رانده‌اند.
۳. سروده‌های پس از عاشورا: واضح است این بخش سروده‌هایی است که در ذکر و شرح و مدح این واقعه بزرگ سروده شده‌اند (همان: ۱۱).

ب، تقسیم بندی در دو بخش:

از نگاهی دیگر ادب عاشورایی را در دو بخش زیر نیز می‌توان تقسیم بندی کرد:

۱. ادبیات در عاشورا: ادبیاتی که پیش از عاشورا شروع شده است و در طی آن نیز به وسیله امام حسین (ع) و یاران آن حضرت ادامه می‌یابد.
۲. ادبیات درباره عاشورا: اشعاری که بعد از این حادثه خلق شده و به بیان ماجراها و اتفاق‌های این واقعه می‌پردازد و یا به صورت حماسی یا مرثیه‌وار سروده شده است.

محمدعلی عربی در کتاب عاشورا در گستره شعر فارسی، شعر عاشورایی را از لحاظ موضوع در سه بخش تقسیم کرده است:

۱. مرثیه، ۲. منقبت (شامل مدح اهل بیت)، ۳. مثلثت (ذکر زشتکاری‌های یزیدیان بر خاندان اهل بیت) (عربی ۱۳۸۰: ۴۳).
- اکنون و پس از این مقدمه مختصر به بررسی تصاویر و نمادهای شعری عاشورایی پرداخته می‌شود:

نمادها و تصویرها

شور شهادت: «شهادت» شکوفاترین گل واژه شعر عاشورایی است، و در شعر عاشورایی امروز بازتاب وسیعی داشته است. در شعری از طاهره اروجی او شعر بلند شهادت را از حنجره مردان نستوهی به شکوه «صنوبرهای آزاد» روایت می‌کند:

وقتی که ازدل‌ها کبوتر را ربودند نامردمان دروازه شب را گشودند

مردانی از ایل صنوبرهای آزاد شعر بلندی از شهادت می‌سرودند

(اروجی، ۱۳۷۹: ۲۷۳)

یا موسوی گرمارودی در این شعر خود امام حسین (ع) را به «باغبانی» تشبیه کرده است که فرزندان اصحاب و خاندان چون «گل» خود را یکی یکی می‌چینند و به باری تعالی تقدیم می‌کنند:

یک یک از باغ دلش هر گل که داشت چید و پیش پای آن محبوب کاشت

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۸۲)

و در این شعر مقایسه عشق به شهادت با آتش گلستان ابراهیم (ع):

این چمن چون آتشش با خویش بود از گلستانش خلیلی پیش بود
آتش آن گل شد از افروختن وین چو گل با خویش دارد سوختن
آن خلیل الله واین ثارالله است فرق را تنها خدا خود آگه است
(همان: ۱۸۱)

تصویرسازی زیبای صغیر که پیکر امام حسین را چون خورشید درخشان توصیف کرده است:
دشت می‌بلعید کم کم پیکر خورشید را بر فراز نیزه می‌دیدم سر خورشید را
(صغیر، ۱۳۸۱: ۲۶۴)

از شهادت و لحظه شهادت امام و یاران وی، تصویرهای زیبای دیگری از حسینی، هراتی، ابتهاج و شهریار و... به تصویر کشیده شده‌اند؛ مثلاً حسینی ترکیب معماری گلو و شرقی بودن آن، پناه بردن به این مأمن آرامش شرقی را در آشوب در دو خسوف به تصویر می‌کشد:

ای عاشق غریب/ در کوران بی‌امان در دو خسوف/ معماری گلوی تو/ شرقی بود (حی علی الصلوه) (حسینی، ۱۳۷۱: ۷۴).
تا باغ شقایق بشوند و بشکوفند باید که ز خون تو بنوشند کویران
(منزوی، ۱۳۸۱: ۲۹۳)

منزوی «کویرها» را استعاره از جانهای خشک و تهی از معارف حسینی است و خون استعاره از معرفت قیام حسینی باعث شکوفایی و سرخی آنها می‌شود.

ایثار و وفاداری

از بارزترین مفاهیم و درس‌های عاشورا، ایثار است: ایثار، یعنی فداکاری و دیگران را بر خود مقدم داشتن و جان و مال خود را فدای چیز برتر از خود کردن. در کربلا فداکردن جان در راه دین، فدا نمودن خود در راه امام حسین و به خاطر امام حسین تشنه جان دادن و صحنه‌هایی از دین درست دیده می‌شود. وفاداری؛ یعنی عمل به پیمان و ایستادن بر سر قول که از برترین خصلت‌ها و نشانه‌های جوانمردی، صدق و راستی است. عاشورا صحنه وفا از یک سو و بی وفایی از سوی دیگر است.

مردانی در این شعر تصویر پارادوکسی «فرات مهربانی تشنه لب‌های عطشان» درباره حضرت ابوالفضل^(ع) او را در عین عطشانی بی نیاز از آب معرفی می‌کند و حتی می‌آورد که فرات نیز با آن همه آب تشنه لب‌های تشنه توست.
به پهنای فلک از بهر تو ای ماه بنی هاشم چراغ مهر دیگر تا قیامت نمی‌تابد
فرات مهربانی تشنه لب‌های عطشانست تو آن دریای ایثاری که در باور نمی‌تابد
(مردانی، ۱۳۸۶: ۴۳۱)

بزرگ‌ترین جلوه ایثار، ایثار جان است که دهخدا در مورد امام و یارانش گفته:

ایثار کرد او مال و جان بگذشت نیز از خانمان
بهر نجات دوستان ای کوفیان ای کوفیان
(دهخدا، ۱۳۷۰: ۸)

حضرت ابوالفضل^(ع) نماد وفاداری در کربلاست. وفاداری حضرت ابوالفضل^(ع) از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد:
الف، وفاداری به امام^(ع) و خاندانش، ب) و بالاتر از آن وفاداری به دین مبین اسلام.

حسینی با استعاره قرار دادن «آسمان» برای امام حسین^(ع) می‌گوید در کوران مصیبت و بلای آتشین، نماز تو هرگز ترک نشد و قنوتت نشکست، با اینکه دو دست آبی (دستان عباس^(ع)) را از دست دادی:

درهای و هوی آتش / شیرازه قنوتت / هرگز ز هم نپاشد / تنها دو دست آبی / از دست آسمان رفت (حسینی، ۱۳۷۱: ۷۱).

گرمارودی ابوالفضل^(ع) را با توصیفی پارادوکسی، تشنه ولی سیراب از تیر باران دشمن نشان می‌دهد:

با مشک تشنه کام برآمد از فرات سیراب شد ولیک ز باران تیر بود

(موسوی گرما رودی، ۱۳۸۸: ۲۰۲)

استعاره‌های زیبایی بیابانکی در این شعر از حضرت ابوالفضل^(ع):

ای که انداختی از ساقی آب آوردست کی کشد ساقی دل سوخته ساگردست

دید گلها همه در آه و عطش می‌سوزند دست اگر این سوی دریا بگذارد بر دست

(بیابانکی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

صبر

در حادثه کربلا زیباترین جلوه‌های صبر و پایداری در راه عقیده و تحمل مشکلات مبارزه ترسیم و سبب ماندگاری آن حماسه عظیم می‌شود. حسینی صبر حضرت زینب در برابر آن فاجعه عظیم را جان بخشی بی‌بدیل بیان داشته است و این که تاریخ زن به واسطه صبوری او آبرو می‌گیرد:

پلک صبوری می‌گشایی / و چشم حماسه‌ها / روشن می‌شود / کدام سر انگشت پنهانی / زخمه بر تار صوتی تو می‌زند /

که آهنگ خشم صبورت عیش مغروران را منغص می‌کند (حسینی، ۱۳۸۱: ۳۰۵).

جان خواهر سوی شامت می‌برند در میان بزم عامت می‌برند

در حضورت می‌زند از کین یزید چوب خزران بر لب من آن عبید

(صغیر، ۱۳۴۸: ۶۶)

موسوی گرمارودی با ترکیباتی مانند: «محمل شکیب ره عشق» و «هودج تحمل دشوار» به صبر و شکیبایی زینب^(س)

اشاره دارد و او را مروج پیام عاشورا در ادوار مختلف معرفی می‌کند:

هم محمل شکیب ره عشق گشته‌ای هم هودج تحمل دشوار بوده‌ای

در کربلا تا آن سخن ناشنیده‌ای کاویز گوش خلق به ادوار بوده‌ای

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

علی معلم با تصویر زیبای مرغان بستان خدا از طفلان کربلا یاد می‌کند:

نوباوگان مصطفی را سر بریدند مرغان بستان خدا را سر بریدند

در برگ ریزباغ زهرا برگ کردیم زنجیر خاییدم و صبر مرگ کردیم

(معلم، ۱۳۶۰: ۶۶)

چون دید نعش اکبر، لیلای داغ دیده پیراهن صبوری، مجنون صفت دریده

دامن کشان و افتان آمد به سوی میدان با گیسوی پریشان با قامت خمیده

چون دید نوجوانش آرام جسم و جاننش چون مرغ نیمه بسمل در خاک و خون تپیده

(رسا، ۱۳۴۰: ۳۱۳)

از دیگر تصاویر تعدی عاشورا می‌توان به سر برنیزه بودن امام حسین^(ع) یا چشم انتظاری اهل حرم برای آب که

حضرت ابوالفضل^(ع) برایشان بیاورد:

پر از عشق نیستان سینه او غم غربت، غم دیرینه او
سرش بر نی، تنش قعر گودال ادب را گه الف گردید گه دال
(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۶۵)

سر خورشید بر آن نیزه خونین می‌گفت که بچه‌ها بر سر آن پیکر صدچاک گذشت
(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲۰)

گاهی بر سر نی بود زمانی ته گودال طی کرد گل من چه فرازی چه نشیبی
(بیابانکی، ۱۳۸۷: ۱۱۱)

آن روز که با بیرقی از یک سر بی تن تا شام شدی قافله سالار اسیران
(منزوی، ۱۳۸۶: ۲۹۳)

چشم انتظاری اهل حرم برای آب و باد/ تو را با مشام خیمه گاه/ در میان نهاد/ و انتظار در بهت کودکانه حرم/ طولانی
شده (حسینی، ۱۳۷۱/۳۸).

هنوز بهر تو گویا به خیمه گه دارد سکینه در ره عباس انتظار ای آب
(صغیر، ۱۳۴۸: ۷۳)

شخصیت‌ها

شخصیت امام حسین^(ع) با ویژگی‌هایی؛ چون: همت و وفا و با تصاویری چون: خورشید و نخل:

امام سوم ای شاه شهیدان که جان عالمی بر تو رهین است
ز دست و همت و جانبازی تست که امروز پا بر جای، دین است
(کسرایی، ۱۳۷۱: ۱۱۳)

سلطان عشق سرور اهل وفا حسین^(ع) آن کو به عهدیار وفا بی‌قصور کرد
(همان، ۵۶)

بر صخره از سیب زنج، بر می‌توان دید خورشید را بر نیزه کمتر می‌توان دید
(معلم، ۱۳۸۶: ۳۶)

بین که در پی قربان شدن به تیغ ستم چو نخل بر زده از باغ کربلاست حسین^(ع)
(مشفق، ۱۳۶۵: ۱۶۲)

تشبیه زیبای هراتی از امام حسین^(ع) که نبود او را، تاول معلقی در سینه آسمان می‌داند:

زمین/ بی تو تاول معلقی است/ در سینه آسمان/ و خورشید اگرچه بزرگ است/ هنوز کوچک است/ اگر با جبین تو
برابر شود (هراتی، ۱۳۸۱: ۲۹۹).

زینب^(س) در این ابیات نماد صبر، عظمت، عصمت، شکوه و صولت است:

می‌سوخست چو شمع و پایداری می‌کرد دل از مژه جای اشک جاری می‌کرد

شب دختر شیرحق به جای عباس از عترت عشق پاسداری می‌کرد

(ده بزرگی، ۱۳۷۳: ۵۶)

جلوه حق کرد روشن کوفه تاریک را گرمی بازار شام از خطبه سوزان اوست
 همت مردانه او ننگسلد زنجیر عهد خوش تراز پیوند هستی رشته پیمان اوست
 (رسا، ۱۳۴۰:۱۳۶)

کیست زینب آنکه عالم واله و حیران اوست نور عصمت جلوه گر از چهره تابان اوست
 (همان: ۱۳۶)

زینب چو کوه صولت و چون مه جمال داشت یک بیشه شیر بود که روح غزال داشت
 (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸:۲۰۲)

ای زن / قرآن بخوان / تا مردانگی بماند / قرآن بخوان / به نیابت کل آن سی جزء / که با سر انگشت نیزه / ورق خورد /
 قرآن بخوان / و تجوید تازه را / به تاریخ پیاموز (حسینی، ۱۳۷۱:۳۰۵).

حضرت ابوالفضل (ع)

وفاداری او به دین و برادر و ایثار و از خودگذشتگی اش الگو واسوه تاریخ و بشریت گردید و این ویژگی با شور و
 هیجان در اندیشه شاعران جای گرفته و سقاییت و حفاظت از اهل بیت و پیوند محکم و ناگسستنی اش با برادر به زیبایی
 ترسیم شده است.

یاد لعل لبان خشک حسین / ریخت از کف به دیده تر آب / تشنه لب شد برون ز شط عباس تا رساند سوی برادر آب
 (مردانی، ۱۳۸۱:۵۲).

دست بر آب فرو برد و پشیمان شد و ریخت کوفت از شرم لبی دست ندامت بر دست
 (بیابانکی، ۱۳۸۷:۱۱۲)

از دیگر تصویرهای شعری جدا شدن دستان مبارک عباس (ع) است که شاعران با آن مضمون پردازی کرده اند:

خواست که دستش رسد زود به دامان وصال شد جدا زودتر از سایر اعضا ز تنش
 (رسا، ۱۳۸۶:۱۱۷۷)

ز آن دست که چون پرنده بی تاب افتاد بر سطح کرخت آبها تاب افتاد
 (هراتی، ۱۳۸۶:۱۵۴۷)

دو برادر دو یار دو عاشق مثل یوسف کنار بنیامین
 دو جهان دو قنوت دو ملکوت تشنه افتاده اند روی زمین
 (بیابانکی، ۱۳۸۷:۹۸)

زیبایی ابوالفضل (ع)

در نینوا درخشش آن چهر پرفروغ چون رویش ستاره کنار کویر بود
 و آن پرتو ملایم و مهتابی وقار در چهره اش چو هاله ماه منیر بود
 (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸:۲۰۲)

علی اصغر

علی اصغر با القابی چون: شیرخواره، غنچه شکفته، کهکشان راه شیری و ... در اشعار بازتاب یافته است:
 خورش پدر به جانب افلاک می فشاند گویی به هدیه دادن آن گل شتاب داشت

خورشید در شفق شرری سرخ گون گرفت یعنی که راه شیری او رنگ خون گرفت
(همان: ۱۹۸)

همچو مرغان ز عطش طفل، پر و بال زنان ناگه آمد ز کمینگاه برون صیادش
تیر کین آمد و بر حلق علی جای گرفت دست بیداد اجل داد چو گل بر بادش
(رسا، ۱۳۴۰: ۳۹۳)

یک جا سه پاسخ از لب خاری شنیده بود آن غنچه لیک فرصت یک انتخاب داشت
(موسوی گرما رودی، ۱۳۸۸: ۱۹۸)

پدیده‌ها و اشیا در عاشورا

عطش: تشنگی از بارزترین جلوه‌های سوزوگداز در حادثه کربلاست:

ای محبان چون بنوشید آب یاد از وی کنید من نگویم بلکه این خود هست پیغام حسین
(صغیر، ۱۳۴۸: ۷۷)

که تلمیح به حدیث امام حسین (ع) دارد: «شیعتی مهما شربتم ماء عذب فاذکرونی».

عطش / چه بی رحمانه عطش می‌بارد / باید چراغ را خاموش کرد / تا چهره مردانگی / روشن شود (حسینی، ۱۳۷۱: ۵۴).
قیصر امین‌پور با اشاره به نخستین کلمات نوآموزان دبستانی (آب و بابا) از مخاطب سؤال می‌کند که آیا تکلیف کودکان
کربلا تکرار مشق آب بابا آب بود؟

راستی آیا / کودکان کربلا، تکلیفشان تنها / دائما تکرار مشق آب! آب! / مشق بابا آب بود؟ (امین پور، ۱۳۸۶: ۲۱)
شرمساری آب که به شیوه‌های مختلف ابراز گردیده است:

نیافت راه چو بر حلق خشک آن مظلوم هنوز آب فرات است شرمسار حسین
(صغیر، ۱۳۴۸: ۲۴۳)

گرچه جان بخش جانفزا باشد تا قیامت بود، کدر آب
نقش لب تشنگان کربلا تا ابد نقش خون زده بر آب
وا مصیبت که دشمن بدکیش بست بر عترت پیمبر آب
(مردانی، ۱۳۸۱: ۵۱۰)

گودال قتلگاه

این گودال به سبب فرار گرفتن پیکر مطهر امام حسین (ع) مقامی رفیع و جایگاهی برتر زعرش کبریا پیدا می‌کند و
شاعران با پارادکس گودال رفیع یا گودال بلندا به استقبال این تصویر شعری رفته‌اند:

در فکر آن گودالم / که خون تو رامکیده است / هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حوض هم می‌توان عزیز بود از
گودال بپرس! (موسوی گرما رودی، ۱۳۸۱: ۳۵۵)

اینک این گودال عرش کبریاست نام گودال و بلندا تا خداست
برج بیداری است این گودال نیست جز ز خون عشق مالا مال نیست
(موسوی گرما رودی، ۱۳۸۸: ۱۸۶)

شام غریبان

و در این سو افق بود در خاکستر سربی بهت نشسته بی خورشید / و زمین بود : دژم و در هم گرفته / و خورشید عریان و خونین در آن افتاده و موران و ماران و خونخواران بودند / بر پیکر خورشید فراز آمده و روز رفته / و شب باز آمده ... و این به روز دهم بود (موسوی گرمارودی، ۱۳۷۷: ۵۴).

چه دودی از زمین برخاست امشب که تیره گنبد میناست امشب
بنال ای دل که در دشت بلاخیز قیام محشر کبری است امشب
ز حال زینب غمدیده پیداست که در اندیشه فرداست امشب
(رسا، ۱۳۴۰: ۳۹۷)

به طاق آسمان امشب گل اختر نمی تابد بنات النعش اکبر بر سر اصغر نمی تابد
به شام و کربلا افتاده در دریای شب ماهی که هرگز آفتابی ایمن چنین نمی تابد
(مردانی، ۱۳۸۶: ۱۴۳۱)

به آتش کشیدن خیمه‌ها

تصویر به آتش کشیدن خیمه در اشعار عاشورایی فراوان است:

به عصر فردا آتش زدند نشان به خیام چنانکه شعله آتش به چرخ وارون شد
به خیمه‌های امامت چنان زدند آتش که آهوان حرم سربه دشت و هامون شد
(شهریار، ۱۳۸۵: ۴۹۲)

بعد قتل من نمایند آن سپاه بعد غارت رو به سوی خیمه‌گاه
پس به حکم زاده سعد لعین می‌زنند آتش به خرگاهم ز کین
(صغیر، ۱۳۴۸: ۶۶)

خیمه سوخته و روزنه دار / و ندران غمزدگانی محزون / نه چراغی هست فروزان شب تار / ماه از روزن تابیده درون
(موسوی گرمارودی، ۱۳۳۷: ۴۸).

آن شب چه شبی بود که دیدند کواکب نظم تو پراکنده و اردوی تو ویران
(منزوی، ۱۳۸۱: ۲۹۳)

نتیجه‌گیری

تصویر که معادل آن در زبان‌های لاتین ایماز است، در سنت بلاغی قدیم، صور خیال نامیده می‌شود و تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تمثیل، نماد، اغراق و مبالغه، اسناد مجازی، تشخیص، حسامیزی، پارادوکس و صنایعی مانند آنها را در بر می‌گیرد. نویسندگان و شاعران توانا با بهره‌گیری از تصویرآفرینی و به مدد صور خیال به ایجاد همدلی با تصویرها، در مرحله نخست و همدلی با مخاطب در مرحله دوم پرداخته‌اند. در این نوشتار، با تأکید بر موضوع شعر عاشورایی، تصاویر شعری در شعر شاعرانی چون نصرالله مردانی، موسوی گرمارودی، سلمان هراتی و قیصر امین‌پور و ... بررسی شد و با نشان دادن صور خیال در آثار آنان، تصویرهای عاشورایی تحلیل شد. برخی مضمون‌ها چون شهادت، صبر و ایثار با بسامد فراوان در شعر آنان به کار رفته است و این شاعران با استفاده از شخصیت‌های عاشورایی؛ همچون: امام حسین^(ع)، امام سجاد^(ع)، حضرت ابوالفضل^(ع) و حضرت زینب سلام الله علیها به تصویرسازی‌های بدیع و زیبایی پرداخته‌اند و با انتقال این حس به مخاطب، باعث نفوذ کلام بیشتر و تأثیرگذاری فراوان شده‌اند.

منابع

۱. آذر، امیر اسماعیل (۱۳۸۱)، *میراث عشق*، تهران: انتشارات بیک علوم.
۲. امین‌پور، قیصر (۱۳۷۲)، *آینه‌های ناگهان*، تهران: افق.
۳. براهنی، رضا (۱۳۷۱)، *طلا در مس*، ۳ جلد، تهران.
۴. بیابانکی، سعید (۱۳۸۷)، *سنگچین‌ها (شعرها)*، تهران: انتشارات علم.
۵. _____ (۱۳۸۷)، *باغ دور دست*، تهران: نشر تکا.
۶. حسینی، حسن (۱۳۷۱)، *گنجشک و جبرئیل*، تهران: نشر افق.
۷. ده بزرگی، احد (۱۳۷۳)، *خطبه خون*، تهران: انتشارات بزرگ.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۰)، *دیوان*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات تیراژه.
۹. رسا، قاسم (۱۳۴۰)، *دیوان*، تهران: چاپ بهمن.
۱۰. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۵)، *راز رشید*، تهران: سوره مهر.
۱۱. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
۱۲. صغیر اصفهانی، محمد حسین (۱۳۴۸)، *مصیبت‌نامه*، اصفهان: کتابفروشی ثقفی.
۱۳. عربی، محمد علی (۱۳۸۰)، *عاشورا در گستره شعر فارسی*، پایان‌نامه دکتری دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۱۴. کاشانی، مشفق (۱۳۸۵)، *آذرخش*، تهران: کیهان.
۱۵. کسرای، محمد حسین (۱۳۷۱)، *رؤیای هستی*، تهران: انتشارات کسرای.
۱۶. محمدرزاده، مرضیه (۱۳۸۶)، *دانشنامه شعر عاشورایی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
۱۷. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۳۷)، *در سایه‌سار نخل ولایت*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. _____ (۱۳۸۸)، *گوشواره عرش*، مجموعه کامل شعرهای آیینی، تهران: سوره مهر.